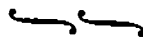


## شاهکارهای ادبی



در نخستین شماره دوره سیزدهم مجله شریفه « وحید » مقاله مختصری زیر عنوان « دوشاهکار ادبی از دوشاعر اصفهانی » بقلم فاضل محترم آقای ذکائی بیضائی بنظر رسید که گویا ذکر شاهکار اولی مقدمه یا وسیله‌ای برای تعریف و توضیح شاهکار دومی بوده است .

شاهکار اولی قصیده معروف شصت و دو بیتی میرزا صادق ناطق است که هر مصرع آن ماده تاریخ تذهیب گنبد مطهر حضرت معصومه درقم می‌باشد که بدستور فتح‌علی شاه در سال ۱۲۱۸ ( یکهزار و دو بیست و هیجده ) انجام یافته است و درباره میرزا صادق ناطق و توانایی او در گفتن ماده تاریخ بهترین توصیف همانست که هدایت در مجلد دوم « مجمع الفصحاء » چاپ اول نوشته است : « او را در فن تاریخ گویی و عددجویی قدرتی عجیب و صنعتی غریب بوده و الحق در این فن گوی سبقت از اقران می‌روده چنانکه اکثر از قصائدش هر مصرعی مکرر مکرر قصیده قصیده فریده مشتمل بر ابیات عدیده بهمین نهج تمام نمودی از جمله قصیده در سال اتمام ایوان حضرت معصومه مرحومه همشیره علی بن موسی الرضا علیه آلافا التحیته و الثناء عرض کرده مشتمل بر شصت و دو بیت که عبارت از یکصد و بیست و چهار مصرع خواهد بود تمام مصارع تاریخست ، عجیب آنکه لفظ شصت و دو بیت هم همان تاریخست ، عجیبتر اینکه یکصد و بیست و چهار مصرع را هم چون بحساب اعداد شمارند همان تاریخست ، کتابی در این علم نوشته در سنه ۱۲۳۵ ( یکهزار و دو بیست و سی و پنج ) رحلت نموده اشارش کمیابست » ه

شاهکار دومی دو بند از ترکیب بند مشهور میرزا نعیم اصفهانی متولد سال ۱۲۷۲ ( یکهزار و دو بیست و هفتاد و دو ) هجری قمری قمری شاعر و مبلغ معروف بهائی می‌باشد که یکی در چهار بحر و دیگری در هفت بحر خوانده می‌شود .

درباره این دو بند از ترکیب بند میرزا نعیم اولاً - اظهار تحیر نموده‌اند که چرا مرحوم ذکاء الملک محمد علی فروغی در کتاب مختصر بدیع خود با وجود اشاره به آنها ابیات را ذکر نفرموده است . ثانیاً - ابیات این شاعر بهائی را

مکرر توصیف کرده و با عباراتی مانند « بی نظیر در تاریخ ادبیات فارسی » ، « تازگی بکمال دارد » ، « معجزه است » ، « هیچ نظیر ندارد » ستوده اند .  
 با عرض معذرت راجع به طلب اول باستحضار می‌رساند که چون این ترکیب‌بند را شاعری بهائی وسخت متعصب سروده بوده و همه در مدح پیش از حد معقول و توصیف « من یظهره الله » بودن میرزا حسینعلی ملقب به بهاء‌الله می‌باشد مرحوم فروغی که با فضل و علم بسیار سیاستمدار هم بوده بعلم اینکه مبادا با نقل ابیات میرزا نعیم از طرفی اشخاص نادان و مغرض او را بترویج آثار بهائیت متهم سازند و از طرف دیگر بهائیان همین نقل ساده را که نظیرش ( یعنی نقل مطلبی از مخالف ) در کتب ادبی و علمی و مذهبی بسیار دیده می‌شود دلیل بهائی بودن او قرار دهند همانطور که در باره مرحوم شوریده فصیح‌الملک و گروهی از رجال علم و سیاست این کار را کرده‌اند از اینرو واژگرنام میرزا نعیم و نقل ابیاتش خودداری فرموده بوده است و غیر این ظاهرأ هیچ علت دیگری وجود نداشته است و اگر آن مرحوم نمونه‌هایی از تفننات ادبی که بسیار دشوار تر از کار میرزا نعیم بوده و ما در همین سلسله مقالات قسمتی از آنها را نقل می‌کنیم به یاد داشتند نیازی باین اشاره هم پیدا نمی‌کردند و از آن‌ها نمونه‌ای در کتاب خود ایراد می‌فرمودند .

اما درباره طلب دوم باید دانست که برخلاف نظر نویسنده محترم اینگونه شاهکارها در ادبیات فارسی و عربی سابقه فراوان دارد و من در مقدمه دیوان مرحوم صابر همدانی که در هنگام نوشتن آن بعلمت عواطف دوستی و تأثر شدید از مرگ نابهنگام او عنان قلم گسیخته شده بود و بهر سوی می‌تاخت سوابق متعددی از این قبیل تفننات نقل کرده‌ام و اینک بمنظور رفع استعجاب خوانندگان شریف مجله وحید قسمتی از آنچه آنجا نوشته‌ام اینجا می‌آورم و به چند شاهکار ادبی فارسی و عربی دیگر نیز اشاره می‌کنم اما پیش از آنکه باصل موضوع پرداخته شود لازم می‌داند علت توانایی ادیبان فارسی زبان و عرب را در اقیانوس این نوع تفننات بسیار بسیار مختصر و فشرده به عرض برساند :

علت عمده قادر بودن ادیبان فارسی زبان در ادبای شاهکارهای ادبی بدون شك آمیختگی لغات فارسی با لغات عربی است که در نتیجه سخن‌سرایان این زبان برای بیان يك مفهوم چندین لفظ در اختیار داشته و باسانی توانسته‌اند الفاظی را انتخاب کنند که مقصودشان را اداء نماید و قدرت ترکیب کلمات فارسی با یکدیگر و به صورت واحد درآمدن آنها هم کار را آسانتر ساخته است و چون دائره لغت عرب وسیع و دارای مشتقات و مترادفات و مجازات فراوانست هم گویندگان عرب قادر به اتیان این بدایع بوده‌اند و هم به سبب انتقال خصائص زبان آنان که مزید بر خصایص زبان فارسی گردیده ادبای زبان فارسی توانسته‌اند شاهکارهایی بوجود آورند که مایه شگفتی است .

علل و عوامل دیگری هم وجود دارد که چون بیان آن‌ها در اینجا منظور نیست بشرح و بسط نمی‌پردازد اما همینقدر گفته می‌شود که ادیبان این دو زبان صفها از الفاظ دلخواه در برابر خویش می‌دیده‌اند که بایک اشاره هر يك زیر فرمانشان قرار می‌گرفته است و یکی از نمونه‌های بارز این فرمانروایی در ملک سخن که ما بجهت تبرک شاهکارها را بدان آغاز می‌کنیم آنست که ابن ابی‌الحدید در شرح خویش بر « نهج البلاغه » چاپ مصر ج ۴ ص ۳۶۵ ، و همچنین سید علی خان مدنی در « انوار الربیع » : باب الحذف ص ۷۶۹ ، نقل کرده‌اند که : روزی گروهی از صحابه گرد هم نشستند و در این موضوع سخن می‌راندند که کدامیک از حروف الفباء بیشتر در کلمات وجود دارد ، باتفاق گفتند حرف الف علی‌السلام که حاضر بود وقتی اجماع آنانرا بر این امر دید برخاست و ارتجالاً خطبه‌ایرا که فاقد حرف الف است ایراد فرمود و این خطبه به خطبه « موقه » شهرت یافته و سه صفحه و نیم از چاپ مصر شرح ابن ابی‌الحدید را فرا گرفته است . کسانی که این خطبه را در شرح ابن ابی‌الحدید مطالعه خواهند کرد باید بدانند که در سطر ۱۳ صفحه ۳۶۷ عبارت « زاول جریده » که دارای حرف الف است در همان شرح چاپ تهران ( ج ۲ جزء ۱۹ ) به صورت « تزول جریده » آمده و در انوار الربیع این عبارت اصلاً وجود ندارد . در کتاب منتخب « جواهر الاسرار » تألیف آذری طوسی ترکیبی از مولانا حسین متکلم بفارسی نقل گردیده که دارای پنج صنعت از صنایع مشکله بدیع است : در بند اول تمام کلمات عاری از حروف نقطه دار است ، در بند دوم تمام حروف نقطه دار است . در بند سوم التزام صنعت مقلوب مستوی رعایت شده و آن چنانست که اگر حروف تمام مصراعها و تمام بیت آخر را بازگو نه کنیم همان ترکیب اول بیرون می‌آید ، در بند چهارم صنعت « خیفا » آورده شده و آن چنانست که يك کلمه تمام حروفش منقوط و يك کلمه تمام حروفش غیر منقوط است در بند پنجم « رقطا » التزام گردیده و آن چنانست که در اینجا به جای کلمات ، کلیه حروف یکی نقطه دار و دیگری بی نقطه است .

این ترکیب که هر بندی از آن دارای ابیات متعدده است در کتاب مزبور نقل گردیده و چون چاپ اینگونه ابیات که اگر حرفی از حروف آنها غلط بچاپ رسد موضوع اصلی فوت می‌شود با اغلاط فراوان چاپی که دره طبوعات فارسی دیده می‌شود دشوار است و تقریباً یقین حاصل است که بی‌غلط بچاپ نخواهد رسید از نقل آن‌ها در این جا خودداری می‌شود و اگر جناب آقای دکتر وحیدنیا مدیر

محترم مجله وحید تمهید فرمایند که آن‌ها را بدون غلط بچاپ رسانند در مقالات بعدی نقل خواهیم کرد .

در همان کتاب منتخب « جواهر الاسرار » دو بیت مذکور است که آن‌ها را به سیزده بحر می‌توان خواند و آن دو بیت اینست :

بکرم می بیری گوی سخارا ز فلک

بدرم می بجزی حمد و ثنار از بشر

بگذر می بدری صف عدو را چو قضا

بقدم می سپری فرق سها را چو قدر

چگونگی استخراج بحر را از این دو بیت باز بهمان علت که عرض شد

نمی‌توان در اینجا نقل کرد مگر در صورت تمهید جناب آقای وحید نیا .

قصیده مصنوع سید ذوالفقار شروانی از شعراء قرن هفتم هجری در مدح صدرالماستری وزیر شروان که در صله آن سید ذوالفقار ( بنا بر آنچه دولتشاه نوشته ) هفت خروار ابریشم دریافت داشت مشتمل بر توشیحات و دوائر و زحافات متعدد است و از هر یک بیت آن چندین ابیات و مضارع متلون در بحر مختلفه استخراج می‌شود و در تذکره دولتشاه سه بیت از این قصیده مصنوع نقل شده که از آن‌ها بیتهی در بحر دیگر استخراج گردیده است و رشید و طواط ذیل عنوان « متلون » در کتاب حدائق السحر ( چاپ مرحوم عباس اقبال ) می‌گوید : احمد منشوری مختصری ساخته است و آنرا خورشیدی شرح کرده نامش « کنز انرائب » جمله آن از این ابیات متلونست در آنجا بیتهی آورده است کی بهی واند وزن بتوان خواند .

بقیه از صفحه ۱۳۸

تمنی است اگر پاکت آقای فریود و ابن یوسف را رسانیده‌اند مطالبه جواب نمایند . سواد مشروح در اجاع بتکیه هفت تنان چنانچه از بین نرفته باشد مسترد فرمائید باقی ایام عمر و اقبال مستدام . شعاع

\* از مجموعه خطی « تذکره الشعراء شعاع » تألیف محمد حسین شعاع الملك شیرازی نقل گردید . این مجموعه بشماره ۹۳۹۲ در کتابخانه مجلس شورای

ملی به ثبت رسیده است .